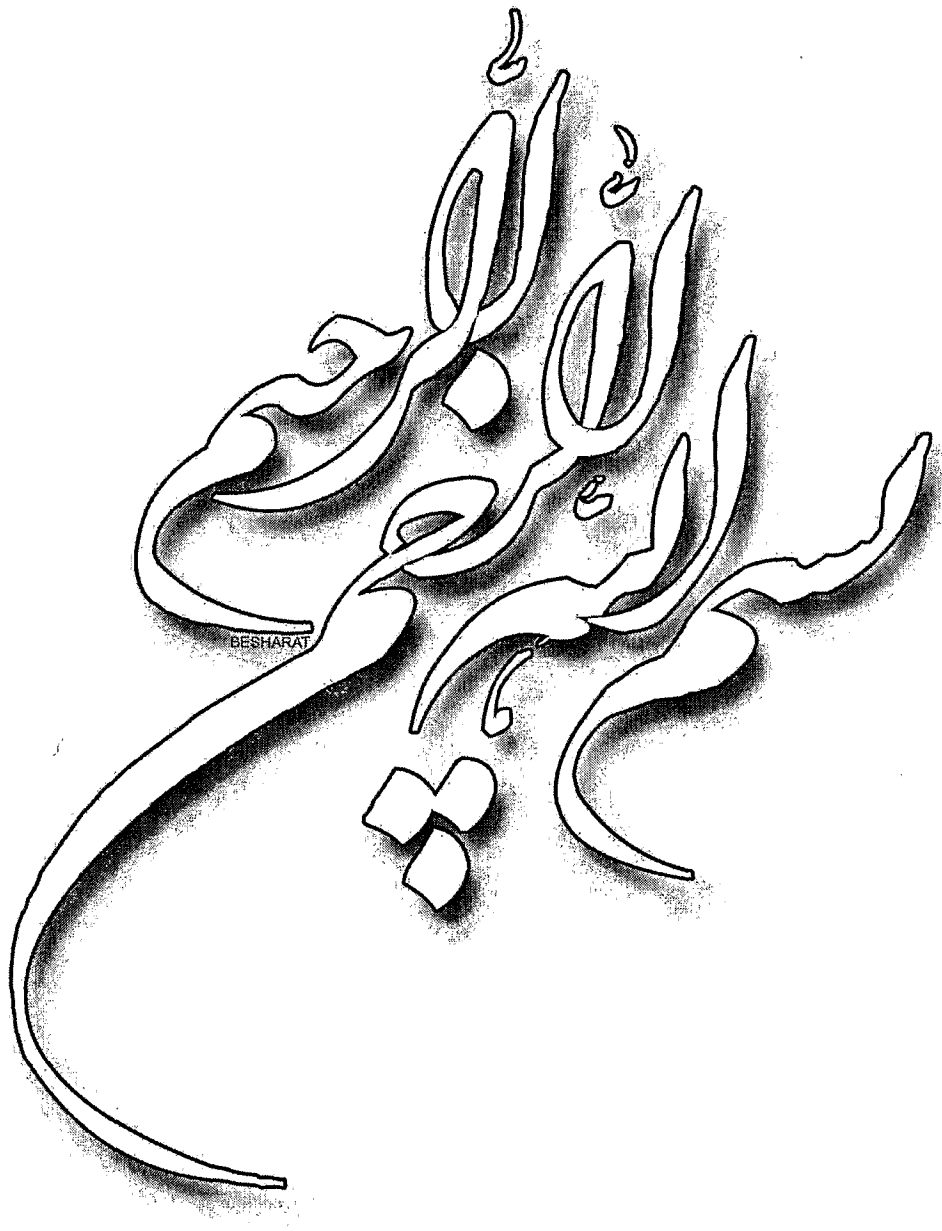
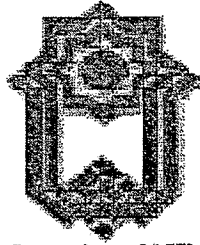


۷/۱۱/۲۰۲۰
۷/۱۱/۲۰



۱.۲۹۴۲



دانشگاه تهران

دانشکده ادبیات

گروه زبان و ادبیات فارسی

موضوع پایان نامه:

بررسی زیبایی‌شناسی صور خیال در اشعار محمدرضا شفیعی

کدکنی (م. سرشک)

کتابخانه مرکزی
دانشگاه تهران

استاد راهنما:

دکتر مهدی شریفیان

استاد مشاور:

دکتر محمد طاهری

۱۳۸۷ / ۱۰ / ۱۴

پژوهشگر:

نعیمه حیدریبگی

زمستان ۸۶

۱۰۶۶۴۲



دانشگاه بوعلی سینا

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

مدیریت تحصیلات تکمیلی

با یاری خداوند بزرگ، جلسه دفاع از پایان نامه خانم نعیمه حیدربیگی به شماره دانشجویی ۸۴۱۳۲۶۹۰۰۴ در رشته زبان و ادبیات فارسی دوره کارشناسی ارشد، روز چهارشنبه ۱۳۸۶/۱۱/۲۹ ساعت ۱۰ تا ۱۲ در سالن کنفرانس دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بوعلی سینا همدان برگزار شد.

این پایان نامه با عنوان:

«بررسی زیبایی شناسی صور خیال در اشعار محمدرضا شفیعی کدکنی (م. سرشک)»

مورد تأیید هیأت داوران قرار گرفت و با نمره ۱۹٫۱ و درجه عالی به تصویب رسید.

امضاء

داوران

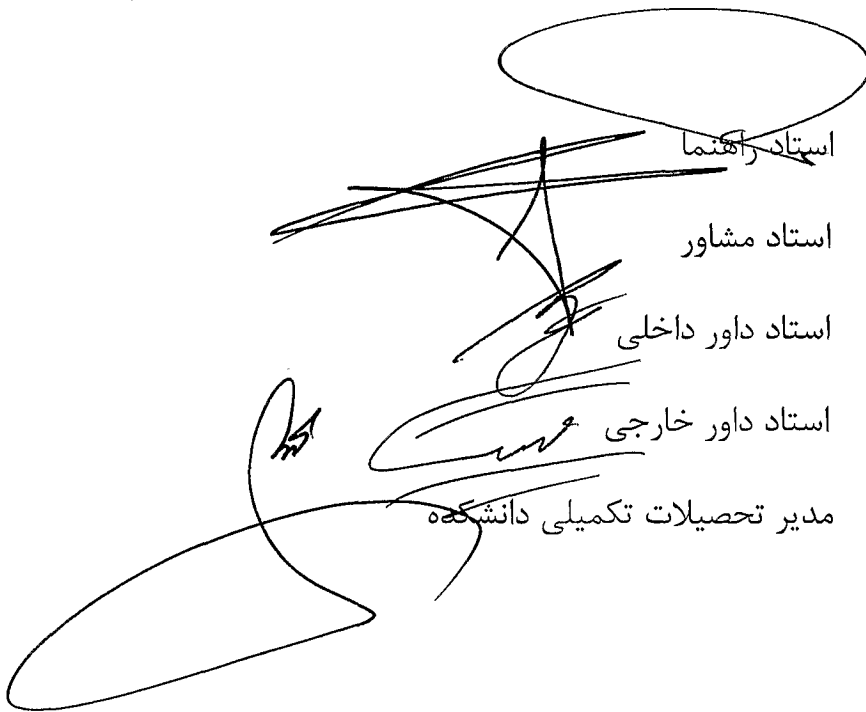
استاد راهنما

استاد مشاور

استاد داور داخلی

استاد داور خارجی

مدیر تحصیلات تکمیلی دانشکده



دکتر مهدی شریفیان

دکتر محمد طاهری

دکتر اسماعیل شفق

دکتر قهرمان شیری

دکتر رحمان بختیاری

نام خانوادگی: حیدریبیگی	نام: نعیمه
عنوان پایان‌نامه: بررسی زیبایی شناسی صورخیال در اشعار محمدرضا شفیعی کدکنی	
استاد راهنما: مهدی شریفیان	استاد مشاور: محمد طاهری
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	رشته: زبان و ادبیات فارسی
دانشگاه: بوعلی سینا همدان	دانشکده ادبیات و علوم انسانی
تاریخ دفاع: ۸۶/۱۱/۲۹	تعداد صفحه: ۲۲۰
کلیدواژه: زیبایی شناسی، صورخیال، شفیعی کدکنی.	
<p>یکی از انواع رایج نقد ادبی، نقد زیباشناسی است که با وجود نظریات مختلف و گاه متناقض در باب آن یک هدف واحد دارد و آن کشف زیبایی‌های نهفته در یک اثر ادبی و بررسی عناصر به وجود آورنده‌ی این زیبایی‌ها است. از جمله‌ی این عناصر مخصوصاً، در قلمرو شعر، آرایه‌های ادبی و صورخیال هستند.</p> <p>محمدرضا شفیعی کدکنی (م. سرشک) از شاعران معاصر است که زیبایی شعرش تا حد زیادی محصول صورخیالی است که آنها را به طرزی ماهرانه و زیبا در اشعارش گنجانده است.</p> <p>سرشک در آغاز مانند هر شاعر دیگری در ساختن تصاویرش از گذشتگان و یا بعضی شاعران هم-عصر خود تقلید کرده است و با گذشت زمان دست به ساختن تصاویر ابتکاری می‌زند. در کنار اینکه تصاویر جدید فراوانی را در اشعار او می‌بینیم، این تصاویر از محور عمودی قوی نیز برخوردار هستند. عناصر تشکیل دهنده این تصاویر در شعر او بسیار گسترده و متنوع هستند و غالباً از طبیعت گرفته شده‌اند.</p> <p>بیشترین گونه صورخیال که در شعر سرشک به کار رفته‌اند، تشبیه و استعاره هستند که البته این گونه‌ها در کنار سایر صور خیال شعر او، در مجموعه‌ی دوم «هزاره دوم آهوی کوهی» نسبت به مجموعه‌ی اول «آینه‌ای برای صداها» به لحاظ کمی کاهش یافته‌اند.</p>	

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	مقدمه.....
.....	فصل اول.....
۴.....	۱-۱- تعریف مسأله و بیان نکات اصلی.....
۵.....	۱-۲- اهداف و فرضیه‌ها.....
۵.....	۱-۲-۱- پرسش‌ها.....
۶.....	۱-۳- سابقه و ضرورت انجام پژوهش.....
۶.....	۱-۴- روش انجام تحقیق.....
۷.....	۱-۵- شرح متغیرهای عنوان.....
۷.....	۱-۵-۱- نقد زیبایی شناسی.....
۷.....	۱-۵-۲- صورخیال.....
۷.....	۱-۵-۳- محمدرضا شفیعی کدکنی (م.سرشک).....
.....	فصل دوم.....
۱۰.....	۱-۲- زیبایی شناسی.....
۱۱.....	۱-۱-۲- دیدگاه‌های مربوط به زیبایی شناسی.....
۱۳.....	۱-۲-۲- تخیل.....
۱۴.....	۱-۲-۲- جایگاه تخیل در شعر.....
۱۷.....	۱-۲-۳- تصویر سازی.....
۱۹.....	۱-۳-۲- تجربه‌ی شخصی.....
۲۰.....	۱-۳-۲- تصویر در شعر کلاسیک.....

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۲۲	۲-۳-۳- تصویر در شعر معاصر.....
۲۳	۲-۴- زبان شعر.....
۲۴	۲-۵- محورهای خیال.....
۲۵	۲-۵-۱- اهمیت محور عمودی خیال.....
	فصل سوم.....
۲۹	۳-۱- شفیعی کدکنی.....
۳۱	۳-۲- ویژگی‌های کلی شعر شفیعی کدکنی.....
۳۱	۳-۲-۱- آیین‌های برای صداها.....
۳۱	۳-۲-۱-۱- زمزمه‌ها.....
۳۳	۳-۲-۱-۲- شبخوانی.....
۳۴	۳-۲-۱-۳- از زبان برگ.....
۳۶	۳-۲-۱-۴- در کوچه باغ‌های نیشابور.....
۳۷	۳-۲-۱-۵- مثل درخت در شب باران.....
۳۹	۳-۲-۱-۶- از بودن و سرودن.....
۴۱	۳-۲-۱-۷- بوی جوی مولیان.....
۴۳	۳-۲-۲- هزاره‌ی دوم آهوی کوهی.....
۴۳	۳-۲-۲-۱- مرثیه‌های سرو کاشمر.....
۴۴	۳-۲-۲-۲- خطی ز دلتنگی.....
۴۵	۳-۲-۲-۳- غزل برای گل آفتابگردان.....
۴۷	۳-۲-۲-۴- در ستایش کبوترها.....

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۴۸	۳-۲-۵- ستاره‌ی دنباله‌دار
.....	فصل چهارم
۵۲	۴-۱- زیبایی‌شناسی تشبیهات
۶۶	۴-۱-۱- نمونه‌های تشبیه
۶۶	۴-۱-۱-۱- انواع تشبیه به اعتبار حسی یا عقلی بودن طرفین
۶۶	۴-۱-۱-۱- معقول به محسوس
۷۶	۴-۱-۱-۲- محسوس به محسوس
۸۱	۴-۱-۱-۳- محسوس به معقول
۸۳	۴-۱-۱-۴- تشبیه معقول به معقول
۸۶	۴-۱-۲- تشبیهات بلیغ
۹۴	۴-۱-۳- تشبیهات تفصیلی و مرسل
۱۰۶	۴-۲- زیبایی‌شناسی استعاره‌ها
۱۱۱	۴-۲-۱- نمونه‌های استعاره
۱۱۱	۴-۲-۱-۱- استعاره‌های مصرحه
۱۲۳	۴-۲-۲- استعاره‌های مکنیه
۱۲۹	۴-۳- زیبایی‌شناسی تشخیص‌ها
۱۳۱۳۲	۴-۳-۱- نمونه‌های تشخیص
۱۴۶	۴-۴- زیبایی‌شناسی سمبول‌ها
۱۵۱	۴-۴-۱- نمونه‌های سمبول
۱۶۴	۴-۵- زیبایی‌شناسی اسطوره

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۶۸	۴-۵-۱- نمونه‌های اسطوره
۱۸۵	۴-۶- زیبایی‌شناسی پارادکس‌ها
۱۸۷	۴-۶-۱- نمونه‌های پارادکس
۱۹۸	۴-۷- زیبایی‌شناسی حسامیزی‌ها
۲۰۰	۴-۷-۱- نمونه‌های حسامیزی
۲۰۳	۴-۸- زیبایی‌شناسی کانکریت‌ها(تصاویر دیداری)
۲۰۴	۴-۸-۱- نمونه‌های کانکریت
	فصل پنجم
۲۱۲	نتیجه‌گیری
۲۱۷	منابع و مآخذ

شاعر فردی است که بیشترین حساسیت را نسبت به محرک‌های پیرامون خود دارد. او از چنان توانایی ذهنی برخوردار است که می‌تواند بهتر و سریع‌تر از سایر افراد پیام‌هایی که از اشیاء و عناصر محیط او صادر می‌شوند را دریافت کند. حادثه‌ای که برای دیگران کاملاً عادی به نظر می‌رسد و به راحتی از کنار آن می‌گذرند ممکن است برای او چیزی شگفت‌انگیز باشد که معنایی عظیم را در خود نهفته و منشأ الهامی بزرگ به شمار آید.

آن نیرویی که باعث می‌شود شاعر به چنین دریافتی از هستی برسد، نیروی خیال است. نیروی تخیل ذهن شاعر را وارد فضایی بی‌کران در عالم ماوراء می‌کند. عالمی که ذهن در آن به آزادی کامل می‌رسد و فارغ از قید دنیای مادی در هر جا که بخواهد سیر می‌کند. هر مرز و محدوده‌ای را می‌شکند و اشیاء مختلف را از هر گوشه‌ای برمی‌گیرد، ترکیب آنها را به هم می‌زند و به صورت دلخواه خود در ریخت و قالبی جدید می‌ریزد.

شعر چنان به این نیرو وابسته است که آن را مهم‌ترین ویژگی شعر می‌دانند و نظریه پردازان ادبیات، بر این باورند که بدون نیروی خیال نمی‌توان هیچ شعری سرود و اگر خیال انگیزی شعر را از آن بگیریم در حقیقت ماهیت شعری خود را از دست می‌دهد.

بیان تجربیات شاعرانه با استفاده از زبان معمول که منطق نثر بر آن حاکم است ارزش آن را کم‌رنگ می‌کند و آن را به حدّ یک تجربه‌ی معمولی تنزل می‌دهد. در اینجا باز همان نیروی خیال به کار می‌افتد و دست به تغییر در قوانین و ساختار زبان می‌زند. این هنجار شکنی در زبان گفتار، به صورت صورخیال نمایان می‌شود. صورخیال کلمات شعر را حامل بار عاطفی می‌کند و به آنها ارزش زیبایی شناختی می‌دهد. به گونه‌ای که حسّ شگفتی و اعجاب خواننده را برمی‌انگیزد.

صورخیال در نخستین دوره‌های شعر فارسی از آنجاکه حاصل تجربیات شخصی شاعر است، از کار کردی زیبایی شناسانه برخوردار بوده، اما به مرور زمان شاعران مدام یک سری از صورخیالی را که حضور آنها به غلط به صورت قانونی عدول ناپذیر درآمده بود را تکرار می‌کردند و این مسئله آن-قدر تداوم پیدا کرد که شعر فارسی به بن‌بست کشیده شد.

با ظهور نیما شعر فارسی وارد مرحله‌ی جدیدی شد و تغییرات عمده‌ای پیدا کرد. یکی از اصول اساسی که از رهگذر این تغییرات در شعر پدید آمد اصل آزادی تخیل و فراروی شاعر در حوزه‌ی صورخیال است که منجر به آفرینش تصاویر تازه و گاه بی‌سابقه‌ای در شعر شد.

یکی از شاعران معاصر که، بی‌آنکه قصد مبالغه داشته باشیم در دوره‌ی ما چهره‌ای کم‌نظیر است شفیعی کدکنی است. انس و آشنایی عمیق و مستمر شاعر با سنت شعر کلاسیک و شعر معاصر و نیز نظریه‌های ادبی جدید، شعر شفیعی را سبک و سیاقی مستقل و خاص بخشیده است و در جایگاهی متین و مطمئن، به دور از کهن‌ستیزیهای ناشی از کم‌مایگی و خودباختگی، در مقام و منزلتی استوار تثبیت کرده است.^۱

در پایان‌نامه‌ی حاضر تلاش می‌شود که، انواع صورخیال، ویژگی‌های خاص و جنبه‌های زیبایی‌شناسانه‌ی هر کدام از آن‌ها در شعر شفیعی کدکنی (م. سرشک) مورد بررسی و تحلیل قرار بگیرد.

فصل اول:

طرح تحقیق

۱-۱- تعریف مسأله و بیان نکات اصلی

نقد، علمی است که با وضع یک سری موازین و معیارها اثر هنری را مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌دهد و سعی دارد جنبه‌های ضعف و قوت آن را دریابد، تا از این رهگذر، هم درک و سلیقه‌ی مخاطب را از اثر هنری ارتقاء داده و هم هنرمند و خالق اثر هنری را متوجه اشتباهاتش در خلق اثرش کرده باشد که در مجموع منجر به پیشرفت هنر میشود.

یکی از انواع نقد، نقد زیبایی شناسی است. این نوع نقد همان‌گونه که از نام آن پیداست زمینه‌های زیبایی شناسانه هنر را حیطه کار خود قرار داده و به کشف عناصر زیبایی شناختی و نوع ارتباط آنها در فضای کلی اثر می‌پردازد.

در بررسی زیبایی شناسانه‌ی شعر، مهمترین و اصلی‌ترین حوزه، حوزه‌ی صورخیال (تشبیه، استعاره، کنایه، تشخیص، سمبل، اسطوره، پارادکس، حس‌آمیزی و ...) است. استفاده از صورخیال و شیوه‌های مختلف تصویرسازی انقلابی است علیه زبان که آن را از شکل متداول و معمول خود خارج می‌سازد. صورخیال ابزارهایی هستند برای تشدید تأثیر روحی و روانی بر مخاطب و گسترش حوزه‌ی معنایی شعر. تصویر یا ایماژ در درجه‌ای از اهمیت قرار دارد که هربرت رید، هنر را کوششی می‌داند برای آفرینش صور لذت بخش تا حس زیبایی ما را ارضاء کنند^۱. همچنین براهنی تصویر را اساس تخیل شاعرانه می‌داند^۲.

شعر معاصر فارسی و در رأس آن شعر نیمایی که محصول رخدادهای دنیای معاصر است، با نگرشی نو به جهان پیرامون خود می‌نگرد و در جریان این نوگرایی بسیاری از قواعد و قراردادهای ادبیات و شعر کلاسیک، از جمله اصول تصویرسازی را کنار گذاشته و آن را از محدوده‌ی علم بیان سنتی فراتر برده است، زیرا اساس شعر نو بر تخیل آزاد بنا شده و این آزادی خیال منجر به کشف روابط تازه میان اشیاء

۱- رید، هربرت، معنی هنر، ص ۲

۲- براهنی، رضا، طلا در مس، ص ۴۵

می‌شود، که بیان هنری این روابط خود را به صورت ایماژها و تصویرهای نو نمایان می‌سازد. مثلاً شاعرِ شعرِ معاصر در تصویر خود کلمه «ابرو» را لزوماً با کلمات «کمان» و «محراب» ترکیب نمی‌کند یا کلمه‌ی «نرگس» برای او تداعی کننده‌ی چشم نیست. این مسئله، خود یکی از وجوه تمایز شعر معاصر از شعر کلاسیک است.

در میان نوپردازان عصر چهارم نیمایی (ادبیات مقاومت)، م. سرشک (محمد رضا شفیعی کدکنی) چهره‌ای برجسته است، به لحاظ اینکه دفترهای شعرش مملو از تصاویر متنوعی است که طیف گسترده‌ای از عناصر طبیعی و مصنوعی، از کوچک‌ترین تا عظیم‌ترین آنها را در برمی‌گیرد. از سوی دیگر، احاطه‌ی کم نظیری که به تاریخ، فرهنگ و ادب فارسی دارد ذهنیت ویژه‌ای را به او داده که به طور حتم تصاویر شعریش را تحت تاثیر قرار داده است. مهم‌تر از همه اضافه کنیم که او، خود از بزرگترین ناقدان و صاحب نظران در عرصه‌ی شعر به ویژه شعر معاصر است.

۱-۲- اهداف و فرضیه‌ها

هدف از پژوهش حاضر برجسته‌سازی ویژگی‌های خاص شعر شفیعی کدکنی به لحاظ تصویر سازی است.

۱-۲-۱- پرسش‌ها

۱- آیا در بررسی زیبایی‌شناسانه‌ی اشعار شفیعی کدکنی، صورخیال از نقش برجسته‌ای

برخورداراند؟

۲- آیا در صورخیال موجود در اشعار شفیعی کدکنی تغییر و تحولی نسبت به آنچه در

گذشته بوده است، دیده می‌شود؟

۳- آیا این صور خیال با وحدت موضوع و متن قابل تطبیق هستند؟

۴- میزان نوآوری صورخیال در اشعار شفيعی کدکنی تا چه حد است؟

۱-۳- سابقه و ضرورت انجام پژوهش

شهرت علمی شفيعی کدکنی به عنوان یک پژوهش‌گر دقیق و سخت‌گیر و کثرت آثارشان در عرصه‌ی نقد و تصحیح متون گذشته تا حدودی بر شخصیت شاعری ایشان سایه افکنده، و باعث شده اشعارشان آن گونه که باید و درخور است مورد تحلیل و بررسی قرار نگیرد. از آنجا نیز که تعداد دفاتر شعری ایشان به تعداد قابل توجهی (دوازده دفتر) رسیده و به طور حتم در طول این تجربه‌های مکرر شعری توانست اند به سبک شعری خود دست یابند، با بررسی آنها می‌توان به نتایج تقریباً قطعی در مورد شعر ایشان رسید.

در رابطه با سابقه‌ی تحقیق باید گفت؛ تاکنون پایان نامه یا کتابی که مشخصاً به زیبایی شناسی صورخیال در اشعار (م. سرشک) پرداخته باشد یافت نشده است. اما کسانی چون مجتبی بشردوست، دکتر پورنامداریان و کامیار عابدی تحقیقاتی را در این زمینه انجام داده‌اند که بیشتر مربوط به تحلیل محتوایی اشعار (م. سرشک) است، همچنین پایان‌نامه‌ای در کتابخانه‌ی دانشگاه اراک با عنوان تحلیل زیباشناسی اشعار (م. سرشک) از خانم آرزو حیدری با راهنمایی خانم دکتر فروغ صهبا یافت شد، که تنها سطح زبان و موسیقی را در مجموعه‌ی «آیین‌های برای صداها»، یعنی هفت دفتر اول مورد بررسی قرار داده و هیچ اشاره‌ای به صورخیال در آن نشده است.

۱-۴- روش انجام تحقیق

تحقیق حاضر به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای انجام شده است. بدین ترتیب که پس از تنظیم طرح تحقیق، منابع مورد نیاز شامل کتب و مقالات مرتبط با موضوع شناسایی و جمع‌آوری شده، مورد

مطالعه قرار گرفته و یادداشت برداری صورت گرفته است. دسته‌ای از این یادداشت‌ها عیناً از منابع مذکور استخراج شده‌اند و دسته‌ای دیگر شامل استنباطات شخصی است. در مرحله‌ی بعد مطالب موجود دسته بندی و با هم مقایسه شده‌اند و در آخر پس از نتیجه‌گیری تنظیم و تحریر شدند.

۱-۵- شرح متغیرهای عنوان

۱-۵-۱- نقد زیبایی شناسی

نقدی است بر هنر که بر پایه‌ی اصول علم زیبایی شناسیک یا استتیک استوار است و به بررسی اثر هنری، از جهت مزایای ذاتی و درونی و زمینه‌های حسن و نیکویی آن اهتمام دارد.

۱-۵-۲- صورخیال

شاعر برای بیان ذهنیات خود نیازمند استفاده از زبان و کلمه است. اما بیان سراسر است و مستقیم این احوالات درونی با استفاده از زبان روزمره به آن حالتی شعارگونه و تکراری می‌دهد که هم تأثیر آن را بر خواننده کاهش داده و هم ارزش زیباشناختی را از آن می‌گیرد. پس شاعر باید پا را از محدوده‌ی زبان عادی فراتر بگذارد، که صورخیال نتیجه‌ی این هنجار شکنی در زبان هستند. صورخیال در علم بیان سنتی محدود به تشبیه، استعاره، کنایه و مجاز هستند. اما امروزه دامنه‌ی آنها توسعه پیدا کرده و مواردی چون: سمبل، استعاره، پارادکس، حس‌آمیزی، تشخیص، و ... را نیز در شمار صور خیال به حساب می‌آورند.

۱-۵-۳- محمدرضا شفیعی کدکنی (م.سرشک)

از شاعران نوپرداز معاصر است که در سال ۱۳۱۸ در روستای کدکن، از توابع نیشابور در یک خانواده‌ی روحانی به دنیا آمد. تاکنون دوازده دفتر شعر از او منتشر شده که در سال ۱۳۷۶ مجموعه‌ی آنها در دو مجلد به نام‌های «آیینهای برای صداها» و «هزاره دوم آهوی کوهی» چاپ شده است. «وی در سال‌های

دهه‌ی ۵۰ به اتفاق شاعرانی چون: میمنت میرصادقی، محمدعلی سپانلو، احمدرضا احمدی، طاهره صفارزاده و اسماعیل خوبی بخشی از جناح شعر مقاومت را تشکیل می‌دادند.^۱

۱- یاحقی، محمدجعفر، جویبار لحظه‌ها، ص ۱۳۲

فصل دوم:

زمینه چینی در چارچوب کلی عنوان

۲-۱- زیبایی شناسی

زیبایی چیست؟ معیارهای زیبایی کدامند؟ آیا می‌توان قوانینی را وضع کرد که بر اساس آنها همه

در مورد زشتی یا زیبایی یک شیء به طور مطلق اتفاق نظر داشته باشند؟

فلاسفه هنوز برای سؤالاتی از این دست پاسخی پیدا نکرده‌اند. نمی‌توان گفت ویژگی‌های زشت

چیست و ویژگی‌های زیبا کدام است. یا اینکه برای آنها حد و مرزی قائل شد و ادعا کرد که این سوی مرز

زیبایی و آن سوی آن زشتی است. نروتروپ فرای می‌گوید: «دنبال کردن زیبایی خطرناک‌تر و بیهوده‌تر از

دنبال کردن حقیقت یا خوبی است»^۱.

زیبایی از نظر افلاطون و نیز از نظر فلوطین و تولستوی صلاح و فضیلت است. نزد ایده‌آلیست‌ها که

برای زیبایی قائل به معیار یا مثالی (نمونه‌ای) برتر از کمال اخلاقی و حسی هستند، زیبایی همان کمال

است. مخالفان آنها در ردّ این نظر می‌گویند: با وجود قبول این امر که صلاح زیبایی است و نیز قبول اینکه

زیبایی اخلاقی در حسن از زیبایی حسی کمتر نیست، نمی‌توانیم صحت این تعریف را مورد اذعان قرار

دهیم. اولاً برای آنکه مردم در زمان‌ها و مکان‌های مختلف در مورد صلاح مطلق اختلاف داشته‌اند و

نتوانسته‌اند نمونه‌ی‌اعلی کمال را نشان دهند. نمونه‌ی برتر و مثال‌اعلی اخلاقی، به اختلاف محیط‌ها و

عصرها مختلف است و چنین است مثال‌اعلی زیبایی طبیعی. ممکن است در بعضی چهره‌ها غایت زیبایی

را ببینیم بدون آنکه با مثال‌اعلی مأنوس و متعارف زیبایی اتحاد و اتفاق داشته باشد. ثانیاً برای آنکه

اموری از قبیل طبیعی در هنر منشأ زیبایی قرار می‌گیرد و اموری از قبیل اخلاقی ماده‌ی خوبی برای هنر

واقع می‌شود.^۲

۱- فرای، نروتروپ، تحلیل نقد، ص ۱۴۰

۲- غریب‌رز، نقد بر مبنای زیبایی شناسی، ص ۳۹

زیبایی به واسطه‌ی کیفیت‌های غیر زیباشناختی تعیین می‌شود که پدید آمدن یا ناپدید شدن آن و تغییر و تحول آن را توضیح می‌دهند. زیبایی را تنها در تجربه می‌توان شناخت، احساس کرد، یا توصیف کرد و تجربه امری است واقعی. یک بارقه‌ی اتفاقی در سطح ابرهای اتمی نیست، بلکه یکی از خواص واقعی و نیرومند گیتی است. آدمی که هرگز حرارت را احساس نکرده باشد هرگز نمی‌تواند با مطالعه‌ی نظریه‌ی حرکتی حرارت آن را پیش خود تصور کند، هر قدر که با مفهوم حرکت آشنا باشد. آدمی که هرگز چیزهای زیبا ندیده باشد، هرگز زیبایی را نمی‌شناسد، هر قدر که معلومات جامعه‌شناختی‌اش کامل باشد.^۱

۲-۱-۱- دیدگاه‌های مربوط به زیبایی شناسی

دو دسته دیدگاه در رابطه با زیبایی وجود دارد: یک دسته ذهنی و درونی‌اند و دسته‌ی دیگر عینی و بیرونی. پیروان دسته‌ی اول بر این باورند که زیبایی چیزی نیست که موجودیت خارجی داشته باشد بلکه عکس‌العمل ذهنی انسان است در برابر بعضی محسوسات. عده‌ای از پیروان این مکتب زیبایی را با احساس لذت برابر می‌دانند و آن را از تظاهرات غریزه‌ی جنسی به حساب می‌آورند. دسته‌ی دوم معتقدند که زیبایی جزء صفات عینی موجودات است و دریافت آن به وسیله‌ی قواعد و اصولی صورت می‌گیرد. نظریات کروچه در مورد زیبایی در دسته‌ی اول قرار می‌گیرد. او منشأ زیبایی را در فعالیت روحی افراد می‌داند و آن را با کشف و شهود یکی می‌داند. او معتقد است که زیبایی صفت ذاتی اشیاء نیست بلکه در نفس بیننده است، زیرا نتیجه‌ی فعالیت روحی کسی است که زیبایی را به اشیاء نسبت می‌دهد یا در اشیاء کشف می‌کند. برای کسی که قادر به این کشف باشد زیبایی همه جا یافت می‌شود و پیدا کردن آن عبارت است از هنر.^۲

۱- زال زاده، ابراهیم، کتاب آینه، ص ۴۶

۲- ر.ک کلیات زیبا شناسی ص ۳۰

زیبایی چیزی است که به واسطه‌ی کیفیات و ساختمان کیفی خود توجه ما را به خود جلب می‌کند. «جیمزجویس» در کتاب خود به نام «تصویری از هنرمند...» به طور ضمنی اصولی چند برای زیبایی ارائه کرده است. بر طبق نظر او، شناخت ما از زیبایی بر اساس سه مشخصه استوار است:

الف- انسجام (همگرایی): یعنی داشتن وحدت ترکیبی. اهمیت انسجام در این است که موضوع را از یکپارچگی و پیوستگی و زیبایی برخوردار می‌کند.

ب- هماهنگی (هارمونی): نسبت و نیز رابطه‌های موجود میان اجزاء است که در ارتباط با انسجام کل اثر هنری، عملی اساسی دارد.

ج- ویژگی (مشخصه، آن): هر چیز زیبا ویژگی‌های خاص خود را دارد و قابل تشبیه به دیگر آثار هنری نیست. ویژگی یعنی داشتن چیستی، یا همان (آن)^۱.

شاید بتوان گفت همه‌ی ما بدون آنکه تعریفی از ماهیت زیبایی در ذهن داشته باشیم قادر به شناخت زیبایی هستیم. ما می‌توانیم به وسیله یک سری اصول نانوشته ویژگی‌های یکسانی را که به واسطه‌ی آنها تناسب و تقارن را در اشیاء زیبا احساس می‌کنیم، دریابیم- با اینکه همه‌ی ما در برابر زیبایی یک عکس العمل واحد نداریم و اشیاء تاثیر خاص خود را بر ذهن هرکدام از ما می‌گذارند- در عین حال واکنش‌ها و پاسخ‌های ما تقریباً به هم شبیه‌اند.

باروز دان هم در مقاله‌ای با عنوان هنر برای انسان می‌نویسد: آراء وقتی با هیجانات تجربه جمال شناختی القاء شود تاثیری قوی در فکر دارد. در این حالت آن آراء نه فقط بسیار زود پذیرفته می‌شوند بلکه بسیار سریع‌تر منشأ عمل قرار می‌گیرند.^۲

کوشش عمدی برای زیبا ساختن باعث تضعیف قدرت خلاق می‌شود. زیبایی در هنر عین سعادت در اخلاقیات است. امکان دارد با عمل همراه باشد ولی هدف عمل نمی‌تواند باشد، درست همان گونه که

۱- فرزاد، عبدالحسین، درباره نقد ادبی، ص ۵۲ و ۵۴

۲- فوستر، مورگان، وارن، آوستن، چشم‌اندازی از ادبیات و هنر، ص ۱۸۹